



حسین الله بابایی *

نگاه تمدنی در دوره‌های قبل از انقلاب به ایران انباشته از مفاهیم عرفی و دنیوی بود، در حالی که بعد از انقلاب از معنای سکولارِ نهفته در تاریخ لفظ «تمدن» به مفهومی دینی، اسلامی و حتی معنوی تحول یافت. فلسفه تمدن و تمدن‌پژوهی و فرایند تمدنی در غرب در مسیر تفکیک دین از زندگی بوده است، در حالی که فلسفه تمدن و تمدن‌پژوهی در ایران بعد از انقلاب ارائه‌الگویی نظری و عملی از زیست این جهانی و عینیت بخشیدن جامع به دین جامع (اسلام) بوده است. با این رویکرد تمدن‌شناسی و تمدن‌سازی در ایران بعد از انقلاب مورد توجه سیاست‌مداران در نظام جمهوری اسلامی و محققان و پژوهش‌گران حوزوی قرار گرفته است. نگارنده با یک نگاه ویژه مطالعات تمدنی را در عرصه‌های سیاسی و پژوهشی می‌کاود و با مروری به برخی فعالیت‌ها و دست‌آوردها، آسیب‌های این دست مطالعات را می‌شناساند و نتیجه می‌گیرد به‌رغم نقص‌ها و کمبودهای تأملات و تحقیقات تمدنی در ایران نسبت به مطالعات تمدنی در جهان اسلام، اهمیت تجربه میدانی جمهوری اسلامی در عرصه‌های تمدنی انکارناپذیر است.

تمدن در عرصه‌های سیاسی (دوره بعد از انقلاب)

ادبیات تمدنی عالمان و فقیهان فرهنگ و سیاست در جمهوری اسلامی ثابت نبوده و تطورات مختلفی داشته است. واژه «تمدن» در کلمات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام بیشتر حالت نفی و سلب دارد و ایشان با به‌کارگیری واژه تمدن به رد و انکار تمدن غرب و تمدنی می‌پردازد که نظام شاهنشاهی آن را در کتاب «به سوی تمدن بزرگ» وعده می‌داد.^۱ در

یک نگاه، پروژه فکری امام - با توجه به جایگاه تاریخی و نقش بنیان‌گذاری ایشان در انقلاب، حکومت اسلامی (فاز اول ساخت تمدن اسلامی) بوده و نه کلیت تمدن اسلامی. در نگاه دیگر و با توجه به دیگر عبارات ایشان که اسلام را در اعلا مرتبه تمدن می‌دانند^۲ و یا تمدن مسلمانان را فوق

تمدن‌ها می‌دانند^۳ یا این که بر تمدن الهی تأکید می‌کنند،^۴ امام به جنبه‌های ایجابی تمدن به اختصار مورد اشاره قرار داده است، لیکن چون دوره رهبری ایشان از آغاز نهضت تا رحلت، دوره تأسیس و نه تفسیر و تفصیل گفتمان انقلاب و جمهوری اسلامی بوده، او نتوانست به جنبه‌های ایجابی تمدن اسلامی ورود پیدا بکند. با این همه و به‌رغم ادبیات سیاسی و سلبی امام در موضوع تمدن، به

لحاظ مبانی فکری و اندیشه‌های جامع اجتماعی، سیاسی، فلسفی و عرفانی‌شان، نمی‌توان امام را یک مبدع و یا یک مؤسس تمدنی به حساب نیاورد. رویکرد تمدنی را در یک نگاه می‌توان متشکل از پنج عنصر ذیل دانست: ۱. نگرش نظام‌مند به معرفت دینی؛ ۲. اصول‌گرایی در حوزه فهم دین، توسعه‌گرایی در حوزه تحقق دین؛ ۳. تکامل در روش اجتهاد و تجدید نظر در روش علوم؛ ۴. ضرورت تدوین الگوهای اجتماعی؛ ۵. پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی.^۵

با عنایت به این پنج اصل، بدون شک باید امام را یک نظریه‌پرداز بلکه یک مؤسس تمدنی به حساب آورد. از این نظر، شاخصه‌های اندیشه تمدن‌گرا را در آرا و عملکرد امام خمینی علیه السلام بیش از هر جای دیگر می‌توان جست‌وجو کرد. ایده‌ها و طرح‌های امام در مورد انقلاب فرهنگی، وحدت

حوزه و دانشگاه، اتحاد امت اسلامی، نقش زمان و مکان در اجتهاد، ولایت مطلقه فقیه و احکام حکومتی و بالاخره تفسیر حکومت به عنوان فلسفه عملی فقه، همه نقطه‌های عطف اندیشه تمدن‌گرا و مهندسی تمدنی بوده است.^۶

بعد از امام راحل ادبیات سلبی تمدن در سخنان رهبر مجدّد انقلاب ادامه یافته و در عین حال از سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱ م)، ادبیات

امام به جنبه‌های ایجابی تمدن به اختصار مورد اشاره قرار داده است، لیکن چون دوره رهبری ایشان از آغاز نهضت تا رحلت، دوره تأسیس و نه تفسیر و تفصیل گفتمان انقلاب و جمهوری اسلامی بوده، او نتوانست به جنبه‌های ایجابی تمدن اسلامی ورود پیدا بکند.

ایجابی تمدن در گفته‌های ایشان آغاز گردید. پس از دو سال از تأکیدهای رهبری بر ضرورت تمدن‌سازی و صورت‌بندی تمدن اسلامی، نظریه چالش‌برانگیز هانتینگتون مبنی بر برخورد تمدن‌ها (به صورت یک مقاله در سال ۱۳۷۲ م) و سپس به صورت یک کتاب در سال ۱۳۷۵ ش (۱۹۹۳ م) منتشر شد. در سی‌ام

شهریور ۱۳۷۷ (سپتامبر ۱۹۹۸) سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت ایران در واکنش به نظریه هانتینگتون، طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها (در برابر تئوری هانتینگتون) را در سازمان ملل مطرح کرد. همزمان گفتمان تمدنی در ادبیات رهبر ایران ادامه یافت و ایشان با مخاطبان بیرونی و گاه خارجی مسئله گفت‌وگوی تمدن‌ها را مورد تأکید قرار دادند^۵ و با مخاطبان داخلی بر تأسیس تمدن و فرایند ساخت تمدن تأکید کردند (از ۱۳۷۹ ش / ۲۰۰۰ م به بعد).

هر میزان ادبیات تمدنی در میان عالمان و فقیهان اجتماع و سیاست در ایران اوج گرفت، نگاه تمدنی و ضرورت تمدن‌سازی برخی از جریان‌های روشن‌فکری که کرنش در برابر غرب را امری ناگزیر می‌دانند و سکولاریزاسیون شرقی را راه برون‌رفت از عقب‌ماندگی می‌دانند، مغضوب و مطرود واقع شد. از نظر روشن‌فکران سکولار، اساساً نظریه تمدن

اگر تمدن همان بزرگ‌ترین واحد اجتماعی باشد، آن‌گاه هردینی (انسانی یا الهی) که تمدنی بشود، بزرگ‌ترین و مؤثرترین دین در وسیع‌ترین قلمرو اجتماعی خواهد بود. اسلام هم اگر بخواهد به مثابه دین، بزرگ‌ترین باشد و هویت اسلامی مسلمانان در مقیاس امت محفوظ بماند، باید در قالب تمدنی تجلی پیدا کند.

اسلامی و پروژه تمدن‌سازی، رادیکال‌ترین و حداکثری‌ترین نظریه در موضوع رابطه دین و زندگی تلقی می‌شود. این بدان سبب است که آن‌ها کاملاً بدین امر واقف بودند که تمدن و آژه‌ای فراخ و گسترده است که بسیاری از حوزه‌های اجتماعی را پوشش می‌دهد.^۶ هانتینگتون می‌گوید: «بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح

آن، هویت فرهنگی [یا تمدنی] است که انسان از آن برخوردار است.»^۷ برخی از دانشمندان هم به‌رغم پاسخ به هانتینگتون، همین تلقی از تمدن را ارائه کرده‌اند: «منظور از تمدن، بزرگ‌ترین واحدی است درون کلیت ابنای بشر که انسان به آن گرایش دارد. غیر از جمع کلی بشریت و نوع انسان، بزرگ‌ترین واحدی که انسان به آن تعلق دارد، واحد تمدن است.»^۸ برپایه همین تلقی از تمدن به مثابه کلان‌ترین واحد اجتماعی، صف‌بندی‌ها در قبال این موضوع شکل گرفت؛ چراکه اصلاح تمدن موجب اصلاح حوزه‌های مختلف انسانی و اجتماعی می‌شود و خرابی آن هم حوزه‌های وسیع اجتماعی و فرهنگی را به فساد می‌کشاند و همان‌طور که جنگ میان تمدن‌ها می‌تواند بسیار مصیبت‌بار و خطرناک باشد، گفت‌وگوی میان تمدن‌ها یا تعارف میان تمدن‌ها هم بسیار سازنده‌تر از گفت‌وگوی میان دو کشور یا حتی دو ملت

بوده و بیشتر از آن که جامعه‌شناختی باشد، الهیاتی و دین‌شناسانه بوده است. نمونه این قبیل از مطالعات را می‌توان در محصولات و آثاری که در دهه هشتاد در جمهوری اسلامی رخ نمود، مشاهده کرد که در ادامه به برخی از این آثار و توسعه دانشی در آن اشاره می‌کنیم.

○ پژوهش‌های حوزوی در موضوع تمدن (الف) مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

نقطه آغازین مطالعات تمدنی در دفتر تبلیغات اسلامی و هسته علمی غرب‌شناسی، اسلام و غرب و سپس گروه مطالعات تمدنی بود که از ۱۳۸۲ به ابتکار دکتر محمدتقی سبحانی در قالب غرب‌شناسی و سپس در قالب مطالعات تطبیقی و تمدنی ظاهر گردید و اولین کتاب آن با عنوان «جستاری نظری در باب تمدن» چاپ شد. جستاری نظری در عمل هم در تعمیق مطالعات مربوط به تمدن و هم در توسعه رویکرد تمدنی در مطالعات انسانی و اسلامی مؤثر بود. این اندیشه بعدها در کتاب «کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن» توسعه و تعمیق یافت. آن‌گاه چهار شماره مجله کلامی و فلسفی «نقد و نظر» در موضوع تمدن به اهتمام گروه مطالعات تمدنی، گامی نو و متفاوت در توسعه مرزهای دانش تمدن با رویکرد الهیاتی بود. علاوه بر آثار منتشر شده در موضوع تمدن، رویکردهای تمدنی در این گروه، در مورد علوم اسلامی و قابلیت‌های تمدنی در هر

خواهد شد. اگر تمدن همان بزرگ‌ترین واحد اجتماعی باشد، آن‌گاه هر دینی (انسانی یا الهی) که تمدنی بشود، بزرگ‌ترین و مؤثرترین دین در وسیع‌ترین قلمرو اجتماعی خواهد بود. اسلام هم اگر بخواهد به‌مثابه دین، بزرگ‌ترین باشد و هویت اسلامی مسلمانان در مقیاس امت محفوظ بماند، باید در قالب تمدنی تجلی پیدا بکند. علاوه این که اگر تمدنی همچون تمدن اسلامی بخواهد در برابر هجمه فرهنگی و تمدنی دیگربودهای تمدنی مانند تمدن غرب مقاومت کند و از هویت تاریخی، دینی و فرهنگی خود حفاظت نماید، ناگزیر باید در فرایند تمدنی این مقاومت را فعال سازد و گرنه در برابر چرخ‌دنده‌های تمدن مسلط از بین خواهد رفت و این ضرورت دیگری است برای تفکر و نگرش تمدنی در دنیای معاصر مسلمانان.^{۱۲}

○ تمدن در عرصه‌های دانشی

برای پاسخ به برخی از ابهامات نظری و الهیاتی در موضوع تمدن، فعالیت‌های مختلفی در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها مطرح شده است که هر یک از آن‌ها می‌تواند محل اعتنا باشد. پیش از این، مطالعات تمدنی در دانشگاه‌های مختلف و در دپارتمان‌های تاریخ با عنوان «تاریخ تمدن و ملل اسلامی» خلاصه می‌شد، اما در ایام بعد از انقلاب گونه‌های مختلفی از رویکرد الهیات به مقوله تمدن آغاز گردید که ریشه آن بیش از آن که در دانشگاه باشد در حوزه بوده است، بیش از آن که ترجمه محور باشد، تألیف محور

یک مورد تأکید قرار گرفت و در قالب گفت و گوها و مصاحبه‌ها با اساتید، چشم‌انداز جدیدی از مطالعات تمدنی در عرصه‌های دانشی اسلام آغاز شد که اولین آن ظرفیت‌های تمدنی علم کلام اسلامی بود که به اهتمام عباس حیدری‌پور به انجام رسید. علاوه بر این، رخداد علمی دیگر در این گروه شکل‌گیری هسته مطالعاتی

«قرآن و تمدن» بود که از عمر آن بیش از پنجاه جلسه می‌گذرد که در دو رویکرد تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی به تمرین و تقریر تمدنی از قرآن تمرکز کرده است. پروژه گروهی دیگری که در این مرکز انجام گرفته، پروژه «کارنامه تمدنی جمهوری اسلامی» است که حاصل مطالعات تمدنی ده نفر از پژوهش‌گران تمدنی است، که از ۱۳۹۴ شروع شده و تاکنون ادامه یافته است و تجربه جمهوری اسلامی را در سه ضلع: «نظریات»، «اسناد»، و «عملیات» محک زده است.

افزون بر این، اولین کرسی نظریه‌پردازی در ایران در موضوع «تمدن» در همین مرکز ارائه گردید. علاوه بر پژوهش‌های یاد شده، گروه مطالعات تمدنی در مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی، به طراحی رشته «مطالعات نظری تمدن» در مقطع دکترا برای دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام اقدام نمود که بعد از تصویب نهایی در وزارت علوم، اکنون در آستانه اجرا

و جذب دانشجو قرار دارد. علاوه بر رشته مطالعات نظری تمدن، رشته «غرب‌شناسی» نیز در سطح دکتری همان دانشگاه به کوشش همین گروه نوشته شد و اکنون در مرحله تصویب قرار دارد. علاوه بر انجام مطالعات تمدنی در این مجموعه، سفرهای علمی مختلف در موضوع تمدن و گاه با رویکرد تمدنی

به کشورهایی همچون امریکای شمالی، برزیل، اروپا (اتریش و آلمان)، عراق، چین و مالزی از جمله فعالیت‌های این مجموعه در توسعه ارتباطات علمی و تمدنی بوده است که موجب ارتقای سطح دانش تمدن در این مرکز و گروه مطالعات تمدنی گردیده است.

ب) مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام (مشهد)^{۱۳}

دیگر از مؤسسات که در موضوع «تمدن» پژوهش‌های مؤثر در ایران داشته، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام در مشهد مقدس است. این مؤسسه در سال ۱۳۸۶ با مجوز رسمی از وزارت کشور، به‌عنوان مجموعه مردم‌نهاد، با مأموریت «تولید سیستم‌ها و فرآیندهای تمدنی با اقتباس از نگرش اسلام» تأسیس گردید. این مؤسسه در ده سال گذشته، محصولات قابل توجهی را ارائه کرده که اشاره به هر یک در سه

● مطالعات تمدنی در دانشگاه‌های مختلف و در دیارتمان‌های تاریخ با عنوان «تاریخ تمدن و ملل اسلامی» خلاصه می‌شد، اما در ایام بعد از انقلاب گونه‌های مختلفی از رویکرد الهیات به مقوله تمدن آغاز گردید که ریشه آن بیش از آن‌که در دانشگاه باشد در حوزه بوده است.

نشانی الکترونیکی isin.ir را راه انداخته است. این مؤسسه برنامه ده سال آینده خود را در تمرکز بر تولید کتاب «شهر طیب» (آرمان شهر اقتباس شده از نگرش اسلام با بیان تمام سیستم‌ها و فرآیندهای لازم در یک شهر مطلوب با ذکر جزئیات) قرار داده و رشته تخصصی کارشناسی ارشد حوزوی «فقه تمدنی» را دنبال می‌کند.

ج) فرهنگستان علوم اسلامی^۴

موضوع تمدن و همین‌طور رویکرد تمدنی از دیرباز مورد توجه فرهنگستان علوم در حوزه بوده است. از نگاه فرهنگستان علوم اسلامی تمدن تعین‌بخش ارتباط انسان با خدا، جامعه و طبیعت است و لازمه این ارتباط این است که تمدن هم در نحوه ارتباط انسان با خدا و هم تأثیر انسان و جامعه بر طبیعت و هم در نحوه تأثیر طبیعت بر انسان و جامعه حضور دارد. البته مناسبات و ابعاد حیات انسانی آن‌گاه وصف تمدنی پیدا می‌کنند که به پذیرش اجتماعی برسد و به تعبیری نهادینه شده باشند. اسلامیت تمدن به معنای جریان روش‌مند دین در تمامی حوزه‌های حیات تمدنی - اجتماعی بشر است. نظام مفاهیم (مفاهیم بنیادی، راهبردی و کاربردی)، ساختارهای اجتماعی (که بر اساس آن همه ارتباطات انسانی شکل می‌گیرد)، محصولات تمدنی (که بر اساس آن جریان نیاز و ارضای مدیریت می‌شود) زیرساخت اساسی هر تمدنی است که بر

حوزه تحقیقات، آموزش و ترویج می‌باشد. در عرصه تحقیقاتی، با انتشار کتاب «نگرش سیستمی به دین» و انجام طرح پژوهشی «اجتهاد تمدنی؛ چیستی، امکان و چگونگی» به ارائه مبنای نظری پرداخته است. با انتشار کتاب «راهنمای تحقیق با اقتباس از نگرش اسلام به هستی و علم» و انجام طرح پژوهشی «الگوریتم اجتهاد» به ارائه روش توجه کرده است و با انتشار کتاب «چرخه از تولید تا مصرف نان با اقتباس از نگرش اسلام»، «راهنمای تدریس با اقتباس از نگرش اسلام» به ارائه نمونه دست زده است. در عرصه آموزشی هم، دوره سه‌ساله تربیت محقق طراح سیستم‌های تمدنی را برای طلاب درس خارج برگزار کرده و به دو گروه پنج‌نفره تحقیقاتی «مدل شهرسازی با اقتباس از نگرش اسلام» و گروه «مدل تأمین اجتماعی با اقتباس از نگرش اسلام» دست یافته است. در عرصه ترویجی هم چهل عنوان کتاب با نماد «نگرشی دیگر به ...»، مانند «نگرشی دیگر به آینده پژوهی»، «نگرشی دیگر به آرمان‌شهر»، «نگرشی دیگر به تمدن»، «نگرشی دیگر به دین»، «نگرشی دیگر به مهدویت»، «نگرشی دیگر به قرآن» را تولید کرده است. علاوه بر این، نزدیک به صد دوره تربیت مدرس با موضوعات یاد شده، برای اساتید حوزه و دانشگاه، طلاب و دانشجویان و فعالان فرهنگی در کشور برگزار کرده و دانش‌نامه مجازی «مبانی، روش و نقشه راه تمدن‌سازی با اقتباس از نگرش اسلام» در

بلکه با ارائه قواعد جدید به دنبال استنباط نظامات از منابع باشد و افزون بر این، دستگاه فقاقت باید ظرفیت خود را در سطح استنباط احکام ولایت و سرپرستی جامعه اسلامی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی در مقیاس جهانی بالا ببرد. کتاب «مهندسی تمدن اسلامی» نوشته عبدالعلی رضایی، کتاب «استمرار انقلاب با کدامین گفتمان» نوشته مصطفی جمالی، و کتاب «بینش تمدنی» نوشته سیدمحمد مهدی میرباقری در همین راستا در جهت تبیین همین معنا از تمدن و تمدن اسلامی بوده است.

● پژوهش‌های حوزوی با رویکرد تمدنی

الف) گروه تاریخ و تمدن دانشگاه باقرالعلوم (ع)
دانشگاه باقرالعلوم (ع) معاونت آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم است و گروه تاریخ و تمدن در آن هم قدیمی‌ترین گروه دانشگاهی در قم است که به تازگی بر اساس مصوبه هیئت امنای دانشگاه نام پیشین خود (گروه تاریخ) را در سال ۱۳۹۵ به گروه «تاریخ و تمدن» تغییر داده است. مهم‌ترین فعالیت گروه در این فاصله زمانی، پشتیبانی از تدوین برنامه و سرفصل دروس رشته مطالعات نظری تمدن بوده که در مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی طراحی

اساس آن اخلاق اجتماعی و سبک زندگی شکل می‌گیرد. از منظر فرهنگستان علوم اسلامی در حوزه بینش تمدنی، تکامل و هماهنگی بین سه حوزه از عقلانیت، عقلانیت دینی، عقلانیت نظری و عقلانیت تجربی بر مدار وحی الهی لازم است. تکامل عقلانیت دینی در راستای دستیابی به فقه نظامات تمدنی و بلکه بالاتر فقه احکام سرپرستی تغییرات اجتماعی در مقیاس تمدنی صورت می‌گیرد و تکامل عقلانیت نظری در راستای دستیابی به حکمت تمدنی و نظام فکری اجتماعی و تمدنی و تحلیل حرکت و تغییر و کیفیت هماهنگی تغییرات پدیده‌ای اجتماعی و طبیعی در عمیق‌ترین لایه‌های فلسفی است و تکامل عقلانیت تجربی در راستای بالابردن کارآمدی تمدن اسلامی در ارائه معادلات هماهنگ جهت تصرف در انسان، جامعه و حیات است. تکامل این سه حوزه از عقلانیت و هماهنگی بین آن‌ها جز از طریق تکامل منطق و روش‌های پژوهش

و پایگاه هماهنگی‌کننده این روش‌ها (فلسفه شدن اسلامی) در این سه حوزه از عقلانیت امکان‌پذیر نیست. فقاقت حوزه‌های علمیه با تأسیس قواعد جدید باید بتواند از استنباط احکام کلی برای موضوعات کلی عبور کند و فقه حکومتی را به فقه پاسخ‌گو به مسائل مستحدثه تنزل ندهد،

از نگاه فرهنگستان علوم اسلامی تمدن تعین‌بخش ارتباط انسان با خدا، جامعه و طبیعت است و لازمه این ارتباط این است که تمدن هم در نحوه ارتباط انسان با خدا و هم تأثیر انسان و جامعه بر طبیعت و هم در نحوه تأثیر طبیعت بر انسان و جامعه حضور دارد.

«ضرورت شناسایی الزامات و مختصات پارادایم جدید»، «پارادایم نوین تقسیم علوم در ایران»، «پیامدهای اقبال و ادبار به علوم طبیعی در تمدن اسلامی»، «ظرفیت تمدنی محبت در مکتب رضوی»، «بررسی جایگاه تعامل تمدنی حوزه‌های علمیه شیعه در جهان اسلام»، «بررسی موقعیت دانش تمدن‌شناسی در تمدن اسلامی»، «موقعیت فرهنگی تمدنی شیعه در روزگار امامان با تأکید بر دوره امامت حضرت رضا (علیه السلام)»، «بینش‌ها و کنش‌های تمدنی سید مرتضی»، «اندیشه‌های اجتماعی جاحظ»، «کاربرد واژگان عدالت و تمدن و نسبت میان آن دو در قرآن»، موضوع تمدن‌اندیشی و موقعیت کنونی آن در ایران»، «الزام نخست حرکت به سوی برپایی تمدن نوین اسلامی»، «گذری بر ابعاد فرهنگی تمدنی شیعیان در تاریخ اسلام به روایت عبدالجلیل قزوینی در کتاب النقص» و «جایگاه نمادها در ایجاد و گسترش تمدن اسلامی» از جمله نمونه‌های مطالعات تمدنی در این پژوهشکده بوده است.

ج) پژوهشکده تاریخ (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)^{۱۲}

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، علاوه بر این که در مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی مستقل به موضوع تمدن و به رویکرد تمدنی می‌پردازد، در برخی از پژوهشکده‌های خود نیز رویکرد تمدنی را همواره در نظر گرفته است که از آن جمله می‌توان به پژوهشکده تاریخ

گردید و در حال پی‌گیری مراحل تصویب آن در وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و زمینه‌سازی برای راه‌اندازی این رشته است. هم‌چنین پی‌گیری شروع به فعالیت دوفصل‌نامه «مطالعات نظری تاریخ و تمدن» بر اساس مصوبه میز تمدن اسلامی، دیگر از مهم‌ترین اقدامات این گروه در زمینه تمدن به شمار می‌رود.

ب) پژوهشکده اسلام تمدنی (مشهد)^{۱۶}

پژوهشکده اسلام تمدنی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی نیز به موضوع تمدن و همین‌طور به رویکرد تمدنی در مطالعات خود پرداخته است. رونمایی از ابعاد و زوایای تمدنی برخی متون گذشته (که به ظاهر کاربری تمدنی ندارند) مانند الذریعه از جمله کارهای این مجموعه با رویکرد تمدنی بوده است. علاوه بر این، برخی از آثار تمدنی در این مجموعه، برگزاری کارگاه‌های تمدن اسلامی در دانشگاه‌ها، سفر علمی نخبگانی با هدف اکتشاف ظرفیت‌های تمدنی به جهان اسلام نیز با همین رویکرد تمدنی در آن جا انجام یافته است. برخی از آثار تمدنی در این پژوهشکده عبارتند از کتاب «اندیشه‌های تمدنی آیه‌الله شیخ محمد رضا کلباسی» (آماده نشر)، و کتاب «اندیشه‌های تمدنی شیخ عزیز الله عطاردی»، مجله «Islamic perspective» و مقالات «نقش مطالعات انتقادی در احیای علوم دینی در تمدن نوین اسلامی»، «طبقه‌بندی علوم با رویکرد اسلامی ایرانی»،

و سیره اهل بیت علیهم السلام اشاره کرد. رویکرد تمدنی در بازشناسی نهادها سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کتاب‌های زیر لحاظ شده است: «دیوان نقابت» اثر محمدهادی خالقی که پیدایش و گسترش اولیه تشکیلات سرپرستی سادات را بررسی کرده است، «دولتمردان شیعه در دستگاه خلافت عباسی» اثر

مصطفی صادقی که از شخصیت شیعی کارگزار خلافت عباسی بحث کرده و کتاب «نهاد ولایت عهدی در خلافت اموی و عباسی» اثر عباس احمدوند. علاوه بر آثار یاد شده، برخی از آثار این مجموعه به مقوله فرهنگ جامعه اسلامی پرداخته‌اند: «فرهنگ‌نامه مؤلفان اسلامی» که نویسندگان مسلمان و آثار آن‌ها را به اختصار تا پایان قرن ششم بررسی کرده است، «سیمای دوازده امام در میراث مکتوب اهل سنت» اثر منصور داداش‌نژاد که زندگانی ائمه علیهم السلام را در کتاب‌ها و فرهنگ اهل سنت بررسی کرده است و «اهل بیت علیهم السلام در آثار دانشمندان اندلس» اثر حمیدرضا مطهری که دیدگاه و فرهنگ دانشمندان اندلس درباره اهل بیت را تبیین کرده است. در این بین، برخی از تحقیقات معطوف به میراث گذشتگان (مانند تاریخ‌نگاری ابن طاووس اثر مصطفی صادقی)، و برخی از آثار تعاملی مانند «تعامل شیعیان امامیه با دیگر مسلمانان در سه قرن اول هجری» اثر سیدعبدالله

● مرکز الحضارة با این باور که راه عملی برای حل معضلات کنونی جهان اسلام، تنها با توافق نخبگان مسلمان بر سر اصول راهبردی و مصالح مشترک امت اسلامی صورت می‌پذیرد، معتقد است که این مهم در حال حاضر در پرتو گفتمان تمدن نوین اسلامی امکان می‌پذیرد.

حسینی و نیز «مواجهه ائمه علیهم السلام با ناهنجاری‌های اجتماعی» اثر سیدعلی‌رضا واسعی و همین‌طور «مناسبات اهل بیت علیهم السلام و ایرانیان» اثر سید محمود سامانی و «رسول خدا صلی الله علیه و آله و مدیریت تنش‌های مدینه» اثر حسین قاضی‌خانی از جمله آثاری هستند که بحث تعامل مسلمانان با دیگران و

● تلاش آن‌ها در تنش‌زدایی را بحث کرده‌اند. برخی از پژوهش‌های تمدنی در پژوهشکده به فرهنگ و تمدن مناطق خارج از قلمرو ایران پرداخته است که از آن جمله می‌توان به «تاریخ اجتماعی شیعیان هند» اشاره کرد که روابط اجتماعی شیعیان در این منطقه را بررسی کرده یا کتاب «فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر» که همین مقوله را در ماوراءالنهر پی گرفته است.

○ «موضوع و رویکرد تمدن» (در گفتمان سازی)

الف) مرکز الحضارة لتنمية الفكر اسلامی (گفتمان‌سازی در سطح جهان اسلام)^{۱۸}

برای پی‌گیری پروژه تمدن نوین اسلامی در سطح جهان اسلام با همت چند شخصیت فکری و فرهنگی از ایران و لبنان در سال ۲۰۰۷ میلادی (برابر با ۱۳۸۶ شمسی) مؤسسه‌ای با نام «مرکز الحضارة لتنمية الفكر اسلامی» در شهر بیروت پایه‌گذاری گردید. مرکز الحضارة

نخبگان در جهت مشارکت در تولید بنیادهای تمدن نوین اسلامی.

در راستای اهداف یادشده، مقرر شد که این برنامه کلان در سه گام پی‌گیری گردد: **گام نخست:** تولید و تقویت ادبیات تمدنی از طریق تألیف، ترجمه و برپایی نشست‌ها و همایش‌ها؛

گام دوم: تلاش در جهت گفتمان‌سازی گسترده در خصوص اندیشه تمدنی اسلام و ارائه آن به صورت پارادایم رقیب در برابر مدرنیته؛

گام سوم: ایجاد زمینه‌های لازم برای تولید مؤلفه‌های علوم تمدن‌ساز اسلامی به صورت مشترک توسط نخبگان مسلمان. گفتنی است که زبان موردنظر در برنامه‌های این مرکز به دلیل محدودیت امکانات، به زبان عربی محدود است و سطح مخاطبان نیز به نخبگان علمی و دینی و به‌ویژه نسل جوان اندیشمند در کشورهای اسلامی اختصاص دارد.

برای تحقق گام نخست، مرکز با طراحی پنج سلسله، به تألیف و تولید آثار علمی در این راستا پرداخت: سلسله مطالعات قرآنی، سلسله مطالعات تمدنی، سلسله شخصیت‌های فکر و اصلاح، سلسله تجربیات ایران معاصر و سلسله روابط ایران و عرب. البته مرکز در ضمن پرکردن خلأ ادبیات تمدنی از طریق تولید و توزیع گسترده آثار، از تعامل گسترده با شخصیت‌های فکری، اجتماعی و سیاسی و نیز همکاری

با این باور که راه عملی برای حل معضلات کنونی جهان اسلام، تنها با توافق نخبگان مسلمان بر سر اصول راهبردی و مصالح مشترک امت اسلامی صورت می‌پذیرد، معتقد است که این مهم در حال حاضر در پرتو گفتمان تمدن نوین اسلامی امکان می‌پذیرد. این مؤسسه پس از ده سال فعالیت مستمر با تولید ۲۵۰ جلد کتاب و برقراری ارتباط گسترده با محافل علمی و فرهنگی و تشکیل سی همایش و نشست تخصصی و ۱۵۰ بار حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی و... گامی بلند برداشته است. مرکز الحضاره در راستای شناسایی و شناساندن اصول و عناصر مدنیت نوین اسلامی، از همان آغاز اهداف زیر را در دستور کار خویش قرار داد:

۱. شناخت چارچوب تفکر تمدنی اسلام از منظر معارف قرآن کریم و سنت پیامبر بزرگ اسلام ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام) ایشان؛
۲. بازخوانی تجربه‌های تمدنی مسلمین در طول تاریخ و نیز بازشناسی اندیشه‌ها و اقدامات اصلاحی متفکران و رهبران اسلامی در دوره معاصر؛
۳. پی‌جویی اسباب انحطاط و انفعال فکری و تمدنی جهان اسلام در برابر دنیای غرب و آسیب‌شناسی فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی؛
۴. برقراری پل‌های ارتباطی میان نخبگان و مؤسسات اسلامی در جهت معرفی و گسترش اندیشه تمدنی اسلام؛ ۵. ایجاد شبکه تعاملات و تبادلات فکری در میان

با مؤسسات علمی غافل نمانده و به اندازه خود، توانسته جایگاه شایسته‌ای در سطح جهان اسلام به دست آورد. فراورده‌های علمی و موقعیت بین‌المللی مرکز الحضاره امروزه فرصتی فراهم آورده است تا گام‌های بعدی را در راستای گسترش تفکر تمدنی به سهولت و عمق بیشتری برداشت. بی‌گمان این مهم تنها در سایه همکاری و هم‌افزایی سایر مؤسسات اسلامی امکان‌پذیر می‌گردد.

ب) میز تمدن (در قطب نظام سیاسی و اجتماعی دفتر تبلیغات اسلامی)^{۱۹}

میز تمدن که فعالیت خود را در چارچوب رویکرد مسئله‌محور دفتر تبلیغات اسلامی از بهمن ۱۳۹۳ آغاز کرده، پس از تدوین بیانیه تبیینی مفهوم ضعف بینش تمدنی (به مثابه مسئله کانونی خود) و نظام موضوعات آن که در نشست‌های عمومی با حضور صاحب‌نظران اعتبارسنجی و ویرایش شده بود، فعالیت‌هایی را در چهارمحور آموزش، پژوهش، فرهنگ‌سازی و اصلاح قوانین و ساختارها با محوریت و اولویت جامعه مخاطب طلاب سامان داده است. مرحله نخست فعالیت‌های این میز به منزله ستاد برای مراکز اقدام در دفتر تبلیغات اسلامی، به مباحث نظری تمدن با تأکید بر تمدن نوین اسلامی معطوف است و اکنون محور اصلی این فعالیت‌ها تبیین و ترویج مفهوم بینش تمدنی و شاخصه‌های آن برای گروه‌های مختلف روحانیان مانند مبلغان،

طلاب در حال تحصیل و حتی ائمه جمعه است. راه‌اندازی سامانه جامع تمدن اسلامی از جمله فعالیت‌های شاخص میز در آینده نزدیک است. برخی از اقداماتی که در این میز انجام گرفته عبارتند از: ^{۲۰} تدوین بسته جامع اقدامات حل مسائل معطوف به مسئله ضعف بینش تمدنی، طراحی ماتریس نظام مسائل و راهکارهای حل مسائل تمدنی، طراحی پژوهش‌های معطوف به مفاهیم، چیستی، نظریه‌ها، رویکردها، جریان‌ها، مأخذشناسی، معطوف به تاریخ تمدن گذشته اسلامی؛ معطوف به تمدن نوین اسلامی؛ معطوف است به آموزه‌های تمدنی اسلام با تأکید بر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، معطوف به تمدن اسلامی و دیگر تمدن‌ها، به ویژه تمدن غرب، طراحی و تدوین طرح جامع آموزشی در حوزه تمدن (تأسیس رشته‌های مطالعات نظری تمدن، فلسفه تاریخ) در مقطع دکتری و سطح چهار حوزه و ارشد، برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های آموزشی تمدن اسلامی و آموزش‌های غیررسمی و نشست‌های علمی تخصصی مرتبط با تمدن اسلامی، هدایت و حمایت پایان‌نامه‌های مرتبط با تمدن اسلامی (فقهی، فلسفی، کلامی، تفسیری و حدیثی)، برگزاری همایش‌های علمی ترویجی در حوزه تمدن اسلامی و برگزاری نشست و مسابقات هنری و ادبی و مسابقات و انجام فعالیت‌های فرهنگی- هنری در حوزه تمدن اسلامی، طراحی سامانه تمدن اسلامی، بازبینی در چگونگی تعامل و

علوم انسانی اسلامی در ۱۳۹۶ شمسی، نیز برعهده گروه تاریخ اندیشه معاصر مؤسسه امام خمینی بوده که در قالب این همایش هم پنج مقاله علمی پژوهشی تدوین و در همایش ارائه شد.

۵ آسیب‌ها و ظرفیت‌های تمدن پژوهی در ایران

به‌رغم فعالیت‌های گسترده‌ای که در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در حوزه علمیه بعد از انقلاب در موضوع تمدن یا با رویکرد تمدنی شکل گرفته، چندین آفت و آسیب همواره تمدن و تمدن‌پژوهان را آزرده و مانع از هم‌افزایی و دقت در این مطالعات گشته است:

نخست: این‌که این فعالیت‌ها ناظر به هم نبوده و از پیشینه‌ها در تحقیقات تمدنی آگاهی لازم وجود نداشته است. فقدان ارتباط پژوهش‌گران تمدنی با یک‌دیگر، بی‌اطلاعی از کارهای انجام شده، فقدان گفت‌وگوها و هم‌اندیشی‌های مؤثر، تأکید بر آیین‌های تمدنی و تشریفات در همایش‌ها به‌طور آشکاری مطالعات تمدنی در حوزه‌ها را ضعیف و گاه ناکارآمد ساخته است؛

دوم: نبود رویکرد انضمامی در مطالعات تمدنی، توقف در لفظ تمدن و غفلت از واقعیت، عناصر، اصول و شاخص‌های تمدن در دنیای اسلام و همین‌طور بی‌توجهی به نیازهای کلان مسلمان معاصر در عمل تمدن و تمدن‌پژوهی در ایران را عقیم کرده است.

تمرکززایی گروه‌های تمدنی و رشته‌های آموزشی و پژوهشی.

ج) مؤسسه امام خمینی (ره) (در چهار سال اخیر)^{۳۱}

مباحث مربوط به تمدن نوین اسلامی از اولویت‌ها و محورهای برنامه پنج‌ساله پژوهشی گروه تاریخ اندیشه معاصر (از ۱۳۹۵-۱۴۰۰ شمسی) در مؤسسه امام خمینی (ره) بوده است. مسئولیت کمیسیون «ظرفیت‌های موجود برای تمدن‌سازی نوین اسلامی» در برنامه سالانه هفته علمی تمدن نوین اسلامی به‌مدت چهار سال برعهده مؤسسه امام خمینی (ره) بوده است. در قالب این کمیسیون حدود سی مقاله ترویجی و علمی-پژوهشی سفارش و تدوین شده است که بیست مقاله آن در مجموعه مقالات هفته علمی تمدن نوین اسلامی و در برخی مجلات علمی-پژوهشی منتشر شد. دبیرخانه علمی هفته علمی تمدن نوین اسلامی در مؤسسه امام خمینی (ره) مستقر شده که مسئولیت نظارت و ارزیابی مقالات ارائه شده به این همایش و فصل‌بندی و چینش مجموعه مقالات جهت انتشار را در چهار سال اخیر در حدود دویست مقاله برعهده داشته است. پنج کرسی ترویجی و ده نشست علمی در موضوع تمدن نوین اسلامی در سه سال اخیر در مؤسسه امام خمینی (ره) برگزار شده است. مسئولیت کمیسیون علوم انسانی اسلامی و تمدن نوین اسلامی در همایش بین‌المللی

در این جهت رشدی نداشته‌اند. تک‌اندیشی در حوزه‌های تمدنی هم در همین راستا بوده است. تمدن موضوعی فراخ است و اندیشه در آن موضوع نیز باید در مقیاس کلان و گسترده و در سطح جهان اسلام انعقاد پیدا بکند. باوجوداین، بسیاری از اندیشه‌های تمدن معطوف به اندیشه‌های رقبای عرب، ترک و مالایایی نیست و اساساً اندیشه تمدنی در وضعیت ارتباطی و گفت‌وگویی با دیگران رخ نمی‌دهد. این رویکرد تک‌بینی هم اندیشه تمدنی را نحیف و ناقص خواهد کرد و هم کنش تمدنی را عقیم و بی‌نتیجه خواهد ساخت.

نکته چهارم: آفت اصلی در تمدن پژوهی یا رویکرد تمدنی، سیاسی کردن و شعارگری جلوه دادن تمدن است. نظریه تمدن و تمدن اسلامی باید در دانشگاه و حوزه و در فرایند تحصیلات و تحقیقات تمدنی شکل بگیرد.

حمایت و پشتیبانی نهادهای سیاسی از تمدن پژوهی، آن هم در فضایی که تمدن پژوهی برخی از جریان‌ات سکولار به‌سخره گرفته می‌شود، بسیار مهم و حیاتی است، اما ورودهای نابهنگام سیاسی در ساحت دانش تمدنی و تولیدات علمی با رویکرد تمدنی می‌تواند آفت‌هایی داشته باشد که باید از آن حذر کرد.

● نبود رویکرد انضمامی در مطالعات تمدنی، توقف در لفظ تمدن و غفلت از واقعیت، عناصر، اصول و شاخص‌های تمدن در دنیای اسلام و همین‌طور بی‌توجهی به نیازهای کلان مسلمان معاصر در عمل تمدن و تمدن پژوهی در ایران را عقیم کرده است. این غفلت بزرگ، خلأهای بزرگی را موجب شده و فاصله‌ها بین حوزه نظر و عمل را بیشتر و عمیق‌تر نموده است.

این غفلت بزرگ، خلأهای بزرگی را موجب شده و فاصله‌ها بین حوزه نظر و عمل را بیشتر و عمیق‌تر نموده است. تأکید بر حوزه نظر و فراموشی ساحت‌های عملی، به لحاظ روانی نوعی اعتماد به نفس غیرواقعی در موضوع تمدن ایجاد کرده و تمدن‌پژوهان و کنش‌گران تمدنی را به فضای رقابت تمدنی در دنیای اسلام بی‌توجه و گاه بی‌انگیزه ساخته و سستی و تنبلی‌های بنیان‌کن را موجب شده است. سرعت تحولات تمدنی در جهان امروز اسلام حتی در جاهایی (مانند مالزی) که پیشینه‌ای در تمدن و فرهنگ نداشته‌اند، سرنوشت و آینده این کشورها را برخلاف میل ما رقم می‌زند و رقبای مذهبی یا دینی ما را به رقبای جدی تمدنی ما بدل می‌سازد؛

سوم: خلأهای بزرگ دانشی در حوزه مطالعات تمدنی است. نوع تمدن‌پژوهان

در ایران، به جهت دانش‌زبانی آماذگی‌های لازم را ندارند و غالباً تک‌زبانه یا دوزبانه‌اند. فقر زبانی در تمدن‌پژوهان ایرانی موجب ناآگاهی آن‌ها از ادبیات بسیار گسترده تمدنی در دنیای امروز شده است. ادبیات متراکمی که بعد از هانتیگتون در مورد تمدن و تمدن اسلامی در غرب به وجود آمده، بسیار قابل اعتناست، در حالی که محققان تمدنی در حوزه در کتاب‌های قدیمی تمدن توقف کرده‌اند و

نتیجه

بررسی محتوایی آنچه در حوزه‌های علمیه بعد از انقلاب در مورد تمدن انجام گرفته، کار میسوطی را می‌طلبد تا معلوم گردد که مطالعات تمدنی چه مقدار به مرزهای دانش تمدن نزدیک‌تر شده است و چه میزان مسائل موجود در جهان اسلام را حل کرده است و در نهایت در تفکر و زیست مسلمان امروز چه قدر و چه سان اثرگذار بوده و موجب تغییر شده است. در این باره کسانی که در موضوع تمدن پژوهش کرده و نوشته‌اند متفاوت با کسانی‌اند که با رویکرد تمدنی نوشته‌اند، هرچند تمدن‌پژوهان به پژوهش‌گرانی که با رویکرد تمدنی بحث می‌کنند، مدد می‌رسانند و پژوهش‌گران با رویکرد تمدنی هم مسائل جدیدی را در اختیار تمدن‌پژوهان قرار می‌دهند.

گفتنی است تأملات و تحقیقات تمدنی خلأهای بسیاری در ایران داشته و گاه ما در مطالعات تمدنی از جهان اسلام عقب‌تر بوده‌ایم، اما تجربه میدانی جمهوری اسلامی در عرصه‌های تمدنی بسیار قابل اعتنا بوده و حرکت تمدنی هم پیش‌تر از تفکر تمدنی و جلوتر از تجربه تمدنی در دیگر کشورها بوده است. تجربه تمدنی در ایران، سطح بینش تمدنی در ایران را هم متفاوت کرده است.

پی‌نوشت:

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. صحیفه امام خمینی، ج ۳، ص ۳۶۹، ۴۰۸ و ۴۱۱.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران ۱۳۷۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۰۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۷۴.

۴. همان، ج ۶، ص ۳۴۳.

۵. محمدتقی سبحانی، مقاله "درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر"، مجله نقد و نظر، ص ۲۹۵-۳۰۱. سال یازدهم، شماره ۴۳-۴۴، ۱۳۸۵.

۶. همان، مقاله "درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه دینی در ایران معاصر"، مجله نقد و نظر، سال دوازدهم، شماره ۴۵-۴۶، ص ۲۶۶-۱۳۸۶.

۷. برای مطالعه بیشتر نک: نهضت علمی و فرهنگی از نگاه امام خمینی، گروه مؤلفان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم ۱۳۸۶.

۸. ایشان در سال ۱۳۷۸ در دیدار با وزیر امور خارجه و نمایندگان سیاسی ایرانی در خارج از کشور بر اهمیت بحث گفت‌وگو با تمدن‌ها (نه با دولت‌ها و مأموران سرویس‌های اطلاعاتی) را تأکید کردند.

9. Bruce Mazlish, "Civilization in a Historical and Global Perspective" International Sociology, P16, 2001.

۱۰. ساموئل هانتینگتون، "نظریه برخورد تمدن‌ها، هانتینگتون و منتقدانش"، ص ۴۸، ترجمه و ویراسته مجتبی امیری، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۸۲.

۱۱. همان، ص ۱۲۴، مقاله "برخورد تمدن‌ها و سازندگی آینده بشر" نوشته حسین نصر.

۱۲. بر اساس همین نگاه است که مرادخای کاپلان در کتاب «یهودیت به مثابه تمدن» بقای یهودیت به مثابه دین را وابسته به تأسیس تمدن یهود در آمریکا می‌داند تا بتواند از هویت دینی و یهودی در برابر مدرنیته مسیحی و مدرنیته سکولار محافظت کند.

۱۷. این قسمت توسط ریاست محترم پژوهشکده تاریخ و سیره، جناب آقای دکتر حمیدرضا مطهری ارائه شده است.
۱۸. گزارش از مرکز الحضارة توسط ریاست محترم مرکز، حجة الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی آماده شده است.
۱۹. گزارش از میز تمدن در دفتر تبلیغات اسلامی، توسط رئیس محترم میز جناب حجة الاسلام دکتر محسن الویری آماده و ارائه شده است.
۲۰. فهرست اقدامات توسط دبیر محترم میز تمدن، آقای مجید نقدی تهیه و ارسال شده است.
۲۱. این قسمت از گزارش توسط حجة الاسلام والمسلمین دکتر مهدی ابوطالبی تهیه و ارائه شده است.

13. Kaplan, Mordecai; Judaism as a civilization, Toward a Reconstruction of American-Jewish Life, Jewish Publication Society of America, 1994

این گزارش توسط حجة الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحمید واسطی تهیه و به نویسنده ارسال گردیده است.

۱۴. گزارش از فرهنگستان علوم اسلامی توسط حجة الاسلام و المسلمین دکتر مصطفی جمالی تهیه و ارائه شده است.

۱۵. این گزارش کوتاه از فعالیت گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام توسط حجة الاسلام و المسلمین دکتر محسن الویری ارائه گردیده است.

۱۶. گزارش از پژوهشکده اسلام تمدن و فعالیت‌های تمدنی آن توسط دکتر محمد باغستانی آماده و ارائه شده و البته توسط این جانب تلخیص شده است.